

رسول پویان

آهنگ رویش

بیا،

تا ساده بنویسیم،

زالال چشمه سار زندگانی را،

به جام ایده ها ریزیم؛

که می داند؟

که بگشاید در آن سنبلستان

خیالی را.

بیا،

تا ساده بنویسیم؛

بسان غنچه بشکفته،

برشاخ نگاه-

- مردم غمدیده،

بنشینیم؛

ویا

همچون شکوفه بر درخت آرزو ها،

رسم بشکفتن بیاموزیم؛

بمانند:

گیاه تازه بی،

بردامن سبز بهاران،

سر دهیم آهنگ رویش را.

بیا،

تا ساده بنویسیم؛

خمار آلودگیها،

پرکند مینای-

- رویاهای مردم را.

یکی دو ساغر لبریز،

از خمخانه اندیشه،

برگیریم،

که د رشبهای مهتابی،

به بزم سادگیها،

سر کشد انسان.

